

« بسم الله الرحمن الرحيم »

وصیت نامه برادر شهید شاهرخ کرمی

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص
خداوند آن مؤمنانی را که در صف جهاد با کافران مانند سد آهنین همدست و در عهد با وفا و
پایدارند بسیار دوست می دارد . (سوره صف آیه ۴)

با یاد خدا و برای رضای خدا چند جمله ای بعنوان وصیت به شما امت حزب الله و همیشه در صحنه عرض
می نمایم هر چند که دیگر جای هیچ گونه سخنی باقی نمانده است و دیگر حجت بر همه تمام شده است
ولی لازم می بینم که چند جمله ای با شما امت حزب الله سخن بگویم .

نمی دانم چگونه آغاز کنم ، چه بنویسم ، دستم می لرزد ، دفتر از زیر دستم می لغزد ، می ترسم که
باعث غرور برای خودم بشوم ، احساس می کنم که دیگر باید از این دنیای فانی رخت بر کنم و بسوی
معشوقم پرواز کنم احساس می کنم دیگر ماندن در این دنیا جای ما نیست و باید پیش عزیزان دیگر
برویم چون این دنیا ارزش ندارد و محل ارزش ها جهان آخرت است و باید خواه نا خواه از این جهان
رفت پس چه نیکوست که انسان خود به استقبال مرگ برود زیرا که مرگ حتماً به سراغش می آید و
هیچ گریزی از آن نیست ، بدرستی که این دنیا محل آزمایش است و ما برای انجام تکلیف الهی آفریده
شده ایم و آن فردی در روز قیامت خوشحال است که از این امتحان الهی سر بلند بیرون بیاید و آن فرد
در روز قیامت می تواند در روی اهل بیت نگاه کند که در راه آنان قدم برداشته و یقیناً راه شهیدان راه
انبیاء می باشد و خداوند نیز چنین افرادی را بسوی خود می برد چون محل واقعی در ان جهان می باشد
و در آنجاست که حق مظلومان از ظالمان گرفته می شود و حساب ها رسیدگی می شود .

وصیت من به شما خواهران و برادران این است که بیایید تقوای الهی را پیشه خود کنید که تنها راه
سعادت شما همین تقوا و ایمان به خداست و به شما جوانان توصیه می کنم که فقط خدا را در نظر
بگیرید کارهایتان را برای رضای خدا انجام دهید و در راه او جهاد کنید که بلند قله ی اسلام جهاد در راه
خداست و از شما می خواهم که به سخنان این پیر جماران و امام امت گوش فرا دهید و به فرامین او
عمل کنید و قدر این رهبر عزیز را بدانید و گرنه بسیار در اشتباهید . و من خدای را شکر می کنم که مرا
از وجود چنین رهبری بهره مند نمود و خدای را شکر می کنم که مرا بسوی خود هدایت نموده است .
والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سلبنا .

کسانیکه در راه ما جهاد می کنند از راههایی آنها را هدایت می کنیم و از شما جوانان می خواهم که
دنباله رو راه شهیدان باشید و به وصایای آنها عمل کنید و ببینید که آنها چگونه زیستند و چگونه بسوی
معشوقشان رفتند و چگونه زیستن و مردن را از آنها درس بگیرید همیشه به یاد خدا باشید تا قلبهایتان
آرام بگیرد تا از گناه مصون باشید و همیشه زندگی جاودانه ی اخروی را در نظر بگیرید و به یاد مرگ و
معاد باشید ولی در آخر توصیه من به شما کسانیکه دل به دنیا بسته اید و به این چند روز دنیا دل خوش
کرده اید این است که بیایید توبه کنید و در صراط مستقیم الهی قرار بگیرید که خداوند به لطف خود

توبه کنندگان را می بخشد از شما می خواهم که گول این دنیای فانی را نخورید و یقین بدانید که این دنیا رفتنی است و تنها چیزی که در روز محشر می تواند شما را نجات دهد همین اعمال شماست .
وصیتی به دوستان و اقوام و آشنایان :

وصیت من به شما دوستان و اقوام این است که اگر ناراحتی از این بنده حقیر دیده اید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید و از شما می خواهم که اگر از من چیزی طلب دارید از خانواده ام بگیرید و از شما دوستان می خواهم که راه شهداء را ادامه دهید که تکلیف بزرگی برعهده شماست که باید اهداء کنید .
وصیتی به پدر و مادر و برادر و خواهرانم :

از شما پدر و مادر عزیزم می خواهم که از کرده های من درگذرید و به بزرگواریتان مرا ببخشید چون شما حق بسیاری به گردن من دارید و من اداء نکردم بخدا قسم می دانم که چقدر بر شما سخت است ولی زمان ، زمان اسلام است و موقعیتی است که خون شهیدان صدا می زند برخیزید از این رو من نیز به گفته شهدا و پیام امام عزیزمان عمل نموده ام و به جبهه رفتم . از شما می خواهم که برای رضای خدا صبر کنید که خداوند بسیار صابران را دوست دارد و از شما می خواهم که به برادرم حسین ، حسین وار بودن را و به خواهرانم زینبی بودن را بیاموزید .

وصیتی به همکلاسی هایم :

سفارش من به شما این است که در سنگر درس و مدرسه بسیار کوشا باشید و کارهایتان را برای رضای خدا انجام دهید گوش بفرمان امام باشید و گوش به حرف منافقین ندهید وصیتی به برادران پایگاه ها و برادران پایگاه شهید نوری پور ، توصیه من به شما عزیزان این است که در سنگر بسیار فعال باشید و این سنگر را از دست ندهید . همیشه منافقین را در نظر داشته باشید و برای رضای خدا بسیار فعال تر باشید و نگذارید که منافقین در شما رخنه کنند و همیشه خداوند تبارک و تعالی را در نظر داشته باشید که خداوند با شماست .

خدا یا خدا یا تا انقلا ب مهـدی خمینی را نگهـدار

« والسـلام »

شاهرخ کریمی — دی ۱۳۶۵ — آبادان — ۱۳۶۵/۱۰/۲

« بسم الله الرحمن الرحيم »

زندگی نامه برادر شهید شاهرخ کریمی

شهید شاهرخ کریمی در سال ۱۳۵۰ در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. از همان کودکی با قرآن و نماز انس گرفت در سن ۶ سالگی راهی مدرسه ابتدائی در گتوند شد پس از موفقیت به مقطع راهنمائی راه یافت و تا اول دبیرستان ادامه تحصیل داد. وی همزمان با تحصیلات در پایگاه مقاومت محل نیز فعالانه شرکت می کرد رشد فکری و معنوی او بسیار بیشتر از سن و سالش بود. وی ماه مبارک رمضان که نزدیک می شد شادمانی در چهره اش آشکار می شد و ماه شعبان را به استقبال از ماه رمضان روزه می گرفت همیشه تبسم بر لب داشت به جز مواقعی که کسی در حضور او از دیگری غیبت می کرد وی عاشق جبهه بود و لحظه ای از جنگ غافل نبود اما سن او اقتضا نمی کرد و تا اولین اعزام لحظه ای آرام و قرار نداشت تا اینکه در سال ۱۳۶۵ برای اولین بار در سن ۱۴ سالگی به جبهه اعزام شد و مدتی در جبهه بود و مرخصی چند روزه ای که آمده بود را با بی تابی تمام کرد و مجدداً راهی جبهه شد تا در مرحله بعدی عملیات کربلای ۵ شرکت کند وی که از سیمایش کاملاً مشخص بود که در این مرحله به شهادت می رسد پس از رشادت های زیاد به فیض شهادت نائل آمد .

« روحش شاد »

بسیج دانش آموزی گتوند